

کد کنترل

802

C



«اگر دانشگاه اصلاح شود، مملکت اصلاح می‌شود.»
 امام خمینی (ره)

صبح جمعه
 ۱۳۹۷/۱۲/۳
 دفترچه شماره (۲)



جمهوری اسلامی ایران
 وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
 سازمان سنجش آموزش کشور

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) - سال ۱۳۹۸

گروه آزمایشی علوم انسانی
(ویژه رشته زبان و ادبیات عرب - گذرشته ۲۱۱۰)

تعداد سؤال: ۶۰
 مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	استعداد تحصیلی	۳۰	۱۰۱	۱۳۰
۲	زبان عربی - عمومی	۳۰	۱۳۱	۱۶۰

این آزمون نمره منفی دارد.
 استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

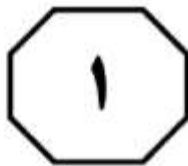
حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش الکترونیکی و ... پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و یا متغلبین برابر مقررات رفتار نمی‌شود.

۱۳۹۸

• داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم.

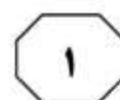
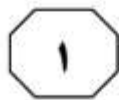
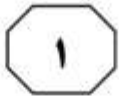
امضا:



بخش اول

راهنمایی:

در این بخش، دو متن به‌طور مجزا آمده است. هر یک از متن‌ها را به‌دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.



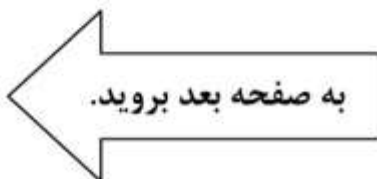
کنیم. به عبارت دیگر، معنای اظهارها را نمی‌توان تنها با مراجعه به لغت‌نامه‌ها و دستورزبان فهمید. توجه به مقاصد «گوینده» یا «اظهارکننده» در نظریه کنش بیانی اهمیت زیادی دارد و این موضوع، با تأکید بیردزلی بر قراردادهای زبانی و بیرونی دانستن مقاصد مؤلف، در تضاد است.

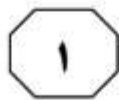
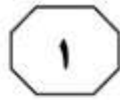
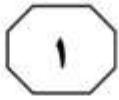
راه‌حل بیردزلی در مقابل این تضاد، این بود که آثار «تخیلی» را «بازنمایی»های کنش‌های بیانی بنامد و حوزه ادبیات را از زبان روزمره جدا سازد. به این ترتیب، نویسنده آثار خیالی درحال انجام کنش‌های بیانی نیست، بلکه درحال بازنمایی کنش‌های بیانی شخصیت‌های داستانی است. بنابراین، تفسیر ادبی صرفاً به قراردادهای ادبی مربوط است، نه به امور واقع. به این ترتیب، برای فهم اثر ادبی (خیالی)، نیازی به مقاصد مؤلف آن نداریم. بیردزلی از اصطلاح «کنش مضمون در بیان» استفاده می‌کند.

سطر بیردزلی، از اولین و سرسخت‌ترین مدافعان ضدقصدگرایی، موضوع تفسیر را متن اثر ادبی می‌دانست و متن را به‌عنوان امری مستقل، از قصد مؤلف آن جدا می‌دانست. متن برای تعیین معنا، نیازی به قصد مؤلف ندارد و کنش متقابل میان کلمات و فرامتن است که معنا را متعین می‌سازد. او می‌پذیرفت که معنای موردنظر مؤلف و معنای متن می‌توانند در بسیاری از موارد یکی باشند؛ اما برخلاف قصدگرایان، استدلال می‌کرد که معنا همیشه توسط متن متعین می‌شود، نه قصد مؤلف.

بیردزلی تحت‌تأثیر «نظریه کنش بیانی» قرار داشت که در میانه قرن بیستم محبوبیت زیادی به دست آورده بود. نظریه پردازان علاقه‌مند به این نظریه، از جمله آستین، به این موضوع توجه کردند که بسیاری از کنش‌ها یا فعل‌ها با گفتن یا نوشتن انجام می‌شود. به‌طور مثال، کشیشی که در مراسم عروسی خطاب به یک زن و مرد می‌گوید: «من شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم»، درحال انجام یک کنش است که از لحاظ قانونی و عرفی پیامدها و اثراتی دارد. تقاضا کردن، معذرت‌خواهی، قول دادن، تهدید کردن و بسیاری از اعمالی را که در زبان روزمره با گفتار انجام می‌شوند، می‌توان کنش بیانی نامید. البته الزام نیست که این کنش‌ها حتماً با گفتار انجام شوند. به‌طور مثال، شخصی می‌تواند با گذاشتن کف دو دست به یکدیگر عذرخواهی کند، و مخاطبش از حرکات او به قصد و منظورش پی ببرد.

نظریه کنش بیانی تحت‌تأثیر «جنبش زبان روزمره» در زبان‌شناسی و فلسفه شکل گرفت که انگاره اصلی آن، تحت‌تأثیر ویتگنشتاین، مساوی دانستن معنا و کاربرد اظهارات زبانی بود. طبق این نظر، برای فهمیدن معنای یک اظهار زبانی، باید به کاربرد آن در زبان توجه



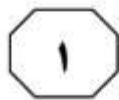
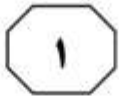


۱۰۳- طبق متن، کدام مورد در خصوص نظریه «کنش بیانی»، صحیح است؟
(۱) دارای نوعی تضاد درونی است که در نظریه بیردزلی، انعکاس یافته است.
(۲) نظریه اصلی تأثیرگذار بر مدافعان ضد قصدگرایی است.
(۳) نقش زبان‌شناسی و فلسفه در نقد ادبی را برجسته می‌کند.
(۴) بیشتر تأییدکننده نظریه مدافعان قصدگرایی است.

۱۰۱- مقصود اصلی متن، کدام است؟
(۱) کندوکاو یک تضاد
(۲) توصیف یک رویکرد
(۳) ایجاد تغییر در یک روش تحلیل
(۴) ارائه فرضیه‌ای در یک حوزه مطالعاتی

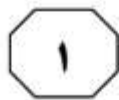
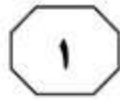
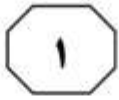
۱۰۴- کدام مورد، با نظر بیردزلی هماهنگ نیست؟
(۱) تفسیر ادبی، براساس قراردادهای زبانی و بیرونی دانستن مقاصد مؤلف امکان‌پذیر است.
(۲) نویسنده اثر «تخیلی»، بسان آینه‌ای، کنش‌های بیانی شخصیت‌های داستانی را منعکس می‌سازد.
(۳) تفاوتی اساسی میان کنش بیانی در حوزه زبان ادبی و زبان روزمره وجود ندارد.
(۴) مفهوم «کنش مضمون در بیان»، تعارضی با نحوه تفسیر برخی متون خاص ندارد.

۱۰۲- کدام مورد را می‌توان درباره نظر قصدگرایی، از متن استنباط کرد؟
(۱) معنای متن، تجلی معنای موردنظر مؤلف است.
(۲) کلماتی که مؤلف به کار می‌برد، کنشی بیانی هستند.
(۳) هدف اصلی خواننده یا منتقد، باید درک قصد نویسنده از تألیف باشد.
(۴) سبک نگارش یک مؤلف، متغیری وابسته به قصد او از نگارش است.



(۳۵) جلب می‌کنند و شناخت را هدایت می‌کنند. تصور کمک نکردن به خیریه، خودپنداره اخلاقی فرد را تهدید نمی‌کند، ولی تصور دزدی از خیریه تهدید می‌کند. وقتی خودپنداره اخلاقی تهدید شد، استدلال انگیزه‌دار به راه می‌افتد، استدلالی که هدفش رسیدن به حقیقت نیست، بلکه هدفش فقط حفظ خودبرتری اخلاقی است. دومین دلیل آن است که چشم‌انداز روان‌شناختی مردم هنگامی که رفتار خودشان را ارزیابی می‌کنند، (۴۰) متفاوت با زمانی است که رفتار دیگران را ارزیابی می‌کنند. [۳] مردم هنگام ارزیابی رفتار دیگران، از دانشی که درباره جامعه دارند نیز استفاده می‌کنند: «هدف آن فرد دزدی بوده است، زیرا این روزها دزدی زیاد شده است.» این چشم‌انداز متفاوت، وقتی رفتار (۴۵) دیگران با قصد آنها همخوان نیست، باعث تفاوت در ارزیابی خود و دیگران می‌شود. چون بیشتر مردم تصور مثبتی از خود دارند، معمولاً رفتار خود را دارای قصد و نیت مثبت می‌دانند. مدیری که بخشی از کارکنان خود را (۵۵) اخراج می‌کند، باور دارد که این کار را با نیت اخلاقی پرداخت دستمزد بهتر به کارکنان باقیمانده انجام داده است، اما همین رفتار از دیدگاه کارکنان اخراج‌شده، بی‌تفاوتی و بی‌رحمی تعبیر می‌شود. نتیجه آن می‌شود که (۶۰) ما رفتارهای غیراخلاقی را معمولاً در دیگران می‌بینیم نه در خود. [۴] اما این امر، درباره رفتارهای اخلاقی وجود ندارد. یک رفتار اخلاقی، هم از چشم‌انداز درونی و هم از (۶۵) چشم‌انداز بیرونی، دارای نیت اخلاقی دیده می‌شود، اما یک رفتار غیراخلاقی، فقط از چشم‌انداز بیرونی، دارای نیت غیراخلاقی دیده می‌شود.

سطر باور هر فرد به اینکه او اخلاقی‌تر از دیگران است، هم شامل این می‌شود که او بیشتر از دیگران احتمال دارد که کارهای خوب انجام دهد و هم شامل اینکه او کمتر از دیگران (۵) احتمال دارد که کارهای بد انجام دهد. اما یافته‌ها نشان می‌دهند که خودبرتری اخلاقی در حوزه انجام ندادن رفتارهای غیراخلاقی، شدیدتر از حوزه انجام دادن رفتارهای اخلاقی است. برای مثال، در تحقیقی (۱۰) از آزمودنی‌ها خواستند که رفتارهای منصفانه و نامنصفانه‌ای را که خود انجام داده‌اند و در دیگران مشاهده کرده‌اند، بنویسند و مشاهده شد که رفتارهای منصفانه آزمودنی‌ها با رفتارهای منصفانه دیگران تفاوتی نداشت، اما (۱۵) رفتارهای نامنصفانه آزمودنی‌ها، «خفیف‌تر» از رفتارهای نامنصفانه دیگران بود. یک پژوهش دیگر نشان داده است که انگیزه مردم از انجام (۲۰) کارهای اخلاقی، بیشتر از آنکه میل به بااخلاق بودن باشد، فرار از بی‌اخلاق بودن است. (۲۰) [۱] به‌واقع، یافته‌ها حاکی از آن است که خودبرتری اخلاقی در حوزه انجام ندادن رفتارهای غیراخلاقی، شدیدتر از حوزه انجام دادن رفتارهای اخلاقی است. نخستین دلیل آن است که مردم هنگام ارزیابی دیگران در (۲۵) مقایسه با زمانی که خود را ارزیابی می‌کنند، کمتر تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرند. اطلاعاتی که خودپنداره مثبت فرد را تهدید می‌کنند، مکانیزم‌های دفاعی را به راه می‌اندازند. فرد ممکن است به خود بقبولاند (۳۰) که اطلاعات تهدیدکننده معتبر نیستند، به دنبال شواهدی برای تأیید خودپنداره مثبت خود بگردد، یا حتی شواهد را بازتعریف کند تا به نتیجه دلخواه برسد. [۲] محرک‌های منفی بیشتر از محرک‌های مثبت، توجه را به خود



802 C



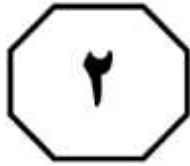
۱۰۷- کدام مورد درخصوص مثال «تصور کمک نکردن به خیریه» که در پاراگراف دوم آمده است، صادق است؟
(۱) تأییدی بر خودپنداره مثبت در افراد نیست و لذا، استدلال انگیزه‌دار در آنها را به‌کار می‌اندازد.
(۲) بر برداشت افراد از اخلاق براساس رفتار دیگران تأکید می‌ورزد.
(۳) تهدیدی برای خودپنداره اخلاقی افراد محسوب نمی‌شود.
(۴) بر ماهیت اجتماعی تفسیرهای اخلاقی صحنه می‌گذارد.

۱۰۸- کدام قسمت در متن که با شماره‌های [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، بهترین قسمت برای قرار گرفتن جمله زیر است؟
«مردم هنگام ارزیابی رفتار خود از آنچه که درباره قصد‌ها، انگیزه‌ها و میل‌های خود می‌دانند، استفاده می‌کنند، اما هنگام ارزیابی رفتار دیگران، به اینها دسترسی مستقیم ندارند و به ناچار، آنها را از روی رفتار دیگران استنباط می‌کنند.»
(۱) [۴]
(۲) [۳]
(۳) [۲]
(۴) [۱]

۱۰۵- کدام مورد، به بهترین وجه، رابطه پاراگراف دوم متن را با پاراگراف اول، توصیف می‌کند؟
(۱) با ذکر نمونه‌هایی از زندگی عادی مردم، نحوه ارزیابی مردم از رفتارهای منصفانه و غیرمنصفانه که در پاراگراف اول به آنها اشاره شده است را روشن می‌کند.
(۲) با ذکر دلایلی خاص، جنبه‌ای از ادعای مطروحه در پاراگراف اول را به چالش می‌کشد.
(۳) با ذکر یافته‌های جدید، لزوم ایجاد تغییر در نگرشی که طبق پاراگراف اول، مردم از خود دارند را خاطرنشان می‌سازد.
(۴) با بیان ادله‌ای خاص، موضع‌گیری اصلی پاراگراف اول را تأیید می‌کند.

۱۰۶- عملکرد عبارت «هدف آن فرد دزدی بوده است، زیرا این روزها دزدی زیاد شده است.» که در پاراگراف دوم آمده است، کدام است؟
(۱) ادعای مندرج در جمله ماقبلش را تأیید می‌کند.
(۲) توصیفی از توجیهی است که مردم برای اعمال خلاف خود و دیگران به‌کار می‌برند.
(۳) تضادی معنایی از اخلاق که در ذهن مردم وجود دارد را نمایان می‌سازد.
(۴) ذکر نمونه‌ای از جمله‌ای کلیشه‌ای است که مردم عموماً به هنگام ابراز خودبترتربینی اخلاقی به‌کار می‌برند.

پایان بخش اول



بخش دوم

راهنمایی:

برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است فقط موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌ای را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به مطالب مطرح شده در هر سؤال و نتایج که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.



۱۱۰- این راست است که ترقی بشر در جهان اخلاق، به پای ترقی او در جهان صنعت نمی‌رسد، اما خطاست اگر پیشرفت تمدن و اخلاق را دارای تناسب معکوس بدانیم و معتقد شویم که ترقی اولی، موجب تنزل دومی بوده است. حقیقت این است که این هر دو در تکامل بوده و هست، اما بر اثر عواملی که اینجا جای بحث نیست، در دو سه قرن اخیر، ترقی صنعت و دانش، بسیار سریع‌تر از اخلاق بوده است.

کدام مورد، فرض مستتر در استدلال نویسنده متن است؟

(۱) به‌واقع، امکان ارزیابی و سنجش پیشرفت اخلاقی وجود دارد.

(۲) اخلاق مردم در سه دهه پیش، پایین‌تر از سطح اخلاقی مردم در حال حاضر بوده است.

(۳) اگر به خاطر رشد اخلاقی انسان در طول تاریخ نبود، امروز شاهد چنین پیشرفت عظیمی در تمدن بشری نبودیم.

(۴) افرادی که به پیشرفت اخلاقی بشر اعتقاد ندارند، راه را برای سوءاستفاده از دستاوردهای صنعتی فراهم می‌آورند.

۱۰۹- این سؤال که «آیا در ممالک دیگر، کتاب‌های ما را می‌خوانند؟» را با چند نفری در میان گذاشته‌ام، کسانی که یا در غرب زندگی کرده‌اند یا می‌کنند، از منتقد ادبی تا آدم‌هایی عادی که صرفاً کتاب می‌خوانند. آقای «الف» که مدرک دکترایش را از دانشگاه کوئینزلند استرالیا گرفته و طبعاً به دلیل تحصیلاتش چند سالی را در آن کشور گذرانده، می‌گوید: «در کتاب‌فروشی‌های استرالیا و مشخصاً سیدنی، اثری از کتاب‌های ایرانی نمی‌بینید؛ حتی مثلاً کاری از مهم‌ترین آثار ادب فارسی دیده نمی‌شود». این منتقد ادبی، علت این مسئله را تیراژ پایین رمان‌های فارسی در ترجمه می‌داند.

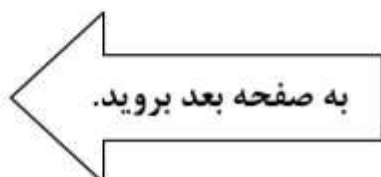
کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، به بهترین وجه، ادعای آقای «الف» را تضعیف می‌کند؟

(۱) برخی منتقدین ادبی بر این باورند که در عصر حاضر، مشغله زیاد مردم، اقبال آنها به آثار ادبی، به‌ویژه داستان و رمان را تحت‌تأثیر قرار داده است.

(۲) در برخی کشورهای خارجی، به‌ویژه در کشورهای شرقی، فرهنگ مردم به فرهنگ بومی ما نزدیک‌تر است.

(۳) سطح سواد ادبی مردم در کشور استرالیا در مقایسه با مردم ممالک غربی، به نسبت پایین‌تر است.

(۴) تیراژ پایین کتاب‌های ادب فارسی در استرالیا، به خاطر فروش کم آنها است.





۱۱۲- آیا می‌دانید در یک نظرسنجی در سال ۱۹۸۷، شخصیت کارتونی میکی‌موس، خلق شده توسط شرکت دیزنی، با کسب ۳۷ درصد کل آرا، با فاصله‌ای زیاد نسبت به رقبای خود، بیشترین محبوبیت را در میان تمام شخصیت‌های سینمای رئال و انیمیشن تاریخ سینما به خود اختصاص داد. جالب‌تر این است که در این نظرسنجی، تام و جری، پلنگ صورتی و سیندرلا.....

کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن را کامل می‌کند؟

(۱) رتبه‌ای فوق‌العاده نزدیک به میکی‌موس به دست آوردند

(۲) به ترتیب در رده‌های ششم، نهم و سیزدهم قرار دارند

(۳) مورد استقبال چشمگیری قرار گرفتند

(۴) حضوری نه چندان پررنگ داشتند

۱۱۱- در آثاری که برای کودکان نوشته‌ام، با توجه به دنیای فانتزی و تخیلی، پرش‌های بلندی را تجربه کرده‌ام و از مخاطبم هم خواستم با من بپرد! با بال خیال، پرواز کردم و با عبور از روزمرگی، امکان وقوع اتفاق‌های خارق‌العاده‌ای را ایجاد کردم. داستان تأثیرگذاری در نوجوانی خواندم. «گومزگ» شهری بود که شخصیت داستان آرزو داشت هرچه زودتر آن جا برود. درسش تمام شد نتوانست برود. بعد رفت سر کار نتوانست برود. ازدواج کرد و گرفتار شد. تا اینکه یک روز توانست همسرش را راضی کند با هم به گومزگ بروند. بلیط خریدند و سوار قطار شدند. قطار در ایستگاهی توقف کرد. همسرش از سرسبزی و رود خروشان و آسمان آبی و ... آنجا خوشش آمد و اصرار کرد همان جا بمانند. مرد هرچه تلاش کرد نتوانست او را متقاعد کند باید بروند. چون نتوانست از همسرش دل بکند، پذیرفت و ماندند. آنها ماندند و قطار رفت. همیشه با عبور هر قطار، داغ دل مرد تازه می‌شد و یاد گومزگ می‌افتاد. من نخواستم از رفتن به گومزگ خودم، محروم باشم.

هدف اصلی نویسنده، کدام است؟

(۱) توضیح درباره تم اصلی آثارش برای کودکان

(۲) هشدار به خواننده، در مقابل اثر نامطلوب

حوادث روزمره زندگی بر عاقبت انسان

(۳) توصیف اثر داستان‌های فانتزی و تخیلی بر

روند شکل‌گیری شخصیت کودکان و

نوجوانان

(۴) تأکید بر لزوم ایجاد حس خیال‌پردازی در

کودکان، به‌عنوان لازمه‌ای برای خودشکوفایی

آنها در بزرگسالی

به صفحه بعد بروید.



۱۱۴- «یوهان گوتفريد هردير» بر این باور نیست که ابعاد ثابت ماهیت انسان، باعث به وجود آمدن حالت‌های معین مراحل رشد جامعه مدنی، قانون، تجارت و حکومت در تاریخ می‌شوند و به‌واقع، نظر کاملاً متفاوتی در مورد ماهیت و موضوعات و انگیزه‌های انسانی دارد. او در کتاب خود با نام «ایده‌هایی برای فلسفه تاریخ انسانیت»، از یک بافت تاریخی برای طبیعت انسان سخن می‌گوید. او نگاهی تاریخی در مورد ماهیت انسان مطرح می‌کند؛ نگاهی که طبق آن، ماهیت انسان، خود محصولی تاریخی است. به نظر او، انسان‌ها در دوره‌های مختلف رشد تاریخی، رفتار متفاوتی از خود نشان می‌دهند. این نظریه راه را برای فلسفه‌های تاریخ‌گرا درباره ماهیت انسان نزد فیلسوفان قرن نوزدهم، مانند هگل و نیچه باز کرد. همچنین مقدمه‌ای برای جریان مهم معطوف به جهان اجتماعی در قرن بیستم، یعنی ایده «ساختار اجتماعی» ماهیت انسانی و هویت اجتماعی گردید.

کدام مورد را می‌توان به‌درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

(۱) نگاه تاریخی به ماهیت انسان، منجر به سلب مسئولیت فردی از انسان و ایجاد نوعی جبر و مسئولیت اجتماعی اسمی در قرن بیستم گردید.

(۲) «ساختار اجتماعی» ماهیت انسانی، نگرشی نه چندان مهم در قرن حاضر، در باب فلسفه تاریخ است.

(۳) آثار «یوهان گوتفريد هردير»، بی‌قرابت با ایده «ساختار اجتماعی» نیست.

(۴) از نظر «یوهان گوتفريد هردير»، ابعاد ثابتی در ماهیت انسان وجود ندارد.

۱۱۳- مردان و زنان، یک دنیای واحد را از زاویه دید متفاوتی نگاه می‌کنند و این به خاطر این است که زنان ادراک جزئی‌نگر دارند و مردان ادراک کلی‌نگر. خانم‌ها تمام جزئیات را می‌بینند و آقایان فقط کلیات را می‌بینند. از این لحاظ، سرعت ادراک در زن‌ها بیشتر است، یعنی فرد با سرعت و دقت، متوجه جزئیات امری شود و سپس توجه خویش را معطوف به مرحله دیگری از درک کند. به همین لحاظ می‌توان گفت زن‌ها در تشخیص رنگ‌ها و ادراک اندازه‌ها، برتری قابل‌ملاحظه‌ای نسبت به مردها دارند. برای مثال، زن‌ها بین رنگ صورتی تا بنفش، طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها از قبیل صورتی، سرخابی، یاسی، بادمجانی، پوست‌پیزی و نهایتاً بنفش را شناسایی می‌کنند و اختلاف بسیار ظریف رنگ‌ها را بهتر درک می‌کنند.

کدام مورد، به بهترین شکل، رابطه بین دو بخش از متن را که زیر آنها خط کشیده شده است، نشان می‌دهد؟

(۱) اولی، تفاوتی کلی بین ادراک زن و مرد را بیان می‌دارد و دومی، با ذکر نقاط اشتراک میان دو جنسیت، اغراق برخی در تأکید بر تفاوت میان مرد و زن را روا نمی‌داند.

(۲) اولی، یک استنتاج کلی در باب تمایزات ادراک مردانه و زنانه است و دومی، ذکر مثالی عینی است که درستی آن را به چالش می‌کشد.

(۳) اولی، ادعایی کلی دال بر اختلاف ادراک در دو جنسیت است و دومی، وجود اختلاف را قبول می‌کند، ولی آن را مشروط می‌سازد.

(۴) اولی، ادعایی کلی در باب اختلافی جنسیتی است و دومی، مصداقی در درستی آن ادعا می‌باشد.

به صفحه بعد بروید.



۱۱۵- در زمینه ارتباط مستقیم میان وضعیت خوابیدن افراد و روحيات و حالات درونی آنها، روان‌شناسی به نام دانکل، کتابی نوشته است به نام «موقعیت‌های خواب: زبان شبانه بدن». بنابر نظر وی، موقعیتی که در شب به بدنمان هنگام خواب می‌دهیم، بازتابی از کارها و چالش‌های روزانه‌مان است. بر طبق نظر این روان‌شناس، افرادی که به پشت می‌خوابند و اصطلاحاً وضعیت سرباز به خود می‌گیرند و هشت درصد افراد دوست دارند در این وضعیت به خواب بروند، افرادی غالباً آرام و خوددار هستند و از هیاهو پرهیز می‌کنند. این افراد، غالباً روشنفکر و درعین‌حال بدگمان و مشکوک، اما ثابت‌قدم هستند. البته اگر از پزشکان دیگر، مثلاً از یک جراح مغز و اعصاب در مورد موقعیت خواب بپرسید، به احتمال زیاد، چیزی که به شما خواهد گفت این است: «بهترین موقعیت خواب، خوابیدن به پشت است». در این وضعیت، بیشترین مقدار خون به مغزتان می‌رسد و تنفس بهتری خواهید داشت. آنها خوابیدن بر روی شکم را توصیه نمی‌کنند، زیرا در این حالت، به اعضای داخلی فشار وارد می‌شود و فرد به مرور دچار گردن‌درد و سردرد هم می‌شود.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، نظر دانکل درباره ارتباط میان وضعیت خوابیدن افراد و روحيات آنها را به بهترین وجه تقویت می‌کند؟

(۱) علی‌رغم آنکه پزشکان به آنانی که شکمی می‌خوابیدند، درباره معایب این طرز خواب آگاهی و هشدار دادند، این افراد با وجود این آگاهی و خواست شخصی، نتوانستند تغییری در وضعیت خواب خود ایجاد کنند.

(۲) هستند برخی پزشکان در تخصص‌های غیرروان‌شناسی که این رشته را «شبه‌علمی» می‌نامند، ولی برخی دیگر، برای موفقیت بیشتر در کار خود، از اصول روان‌شناسی کمک زیادی می‌گیرند.

(۳) وضعیت خواب پزشکان، فارغ از تخصصشان، متفاوت از الگوهای معمول است و آنها معمولاً در بهترین وضعیت ممکن می‌خوابند.

(۴) در برخی مواردی که پزشکان مغز و اعصاب از درمان مریض‌های خود ناامید می‌شوند، آنان را به روان‌شناس معرفی می‌کنند.

پایان بخش دوم



بخش سوم

راهنمایی:

در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به‌دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.

www.tahsilatetakmili.com



راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۱۶ تا ۱۱۹ پاسخ دهید.

- ۱۱۷- اگر قوطی نوشابه زرد، بین دو قوطی دیگر قرار گرفته باشد، جای چند قوطی دیگر، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟
- (۱) ۴
 - (۲) ۲
 - (۳) ۱
 - (۴) صفر
- کودکی پنج قوطی خالی هم‌اندازه نوشابه مشکی، نوشابه زرد، لیموناد، ماء‌الشعیر و دوغ در اختیار دارد. او سه تا از قوطی‌ها را روی یکدیگر و دو قوطی دیگر را روی هم می‌چیند و دو ستون از قوطی‌ها درست می‌کند. اطلاعات زیر موجود است:
- قوطی نوشابه زرد، نه دقیقاً روی قوطی دوغ قرار دارد و نه دقیقاً زیر قوطی لیموناد.
 - هرکدام از قوطی‌های نوشابه زرد و مشکی، در ستون‌های مختلفی قرار دارند.
 - اگر جای دو قوطی که در رأس ستون‌ها (بالترین قوطی) قرار دارند را با یکدیگر عوض کنیم، محدودیت‌های قبل نقض نمی‌شوند.

- ۱۱۶- اگر قوطی پایینی ستونی که دو قوطی دارد، لیموناد باشد، کدام قوطی دقیقاً زیر قوطی ماء‌الشعیر است؟
- (۱) زیر قوطی ماء‌الشعیر، قوطی وجود ندارد.
 - (۲) نوشابه مشکی
 - (۳) نوشابه زرد
 - (۴) دوغ
- ۱۱۸- اگر قوطی‌های نوشابه مشکی و دوغ در یک ارتفاع قرار گرفته باشند، کدام مورد در خصوص قوطی ماء‌الشعیر، صحیح است؟
- (۱) با قوطی لیموناد، در یک ارتفاع قرار دارد.
 - (۲) بالاترین قوطی ستون خود نیست.
 - (۳) دقیقاً روی نوشابه مشکی است.
 - (۴) دقیقاً زیر قوطی لیموناد است.

- ۱۱۹- اگر در یکی از ستون‌ها، قوطی لیموناد بالاتر از قوطی نوشابه زرد قرار گرفته باشد، جای قرار گرفتن کدام قوطی‌ها، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟
- (۱) لیموناد و نوشابه‌های زرد و مشکی
 - (۲) نوشابه‌های زرد و مشکی و دوغ
 - (۳) لیموناد، دوغ و نوشابه مشکی
 - (۴) ماء‌الشعیر، دوغ و لیموناد

به صفحه بعد بروید.



802 C



راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۲۰ تا ۱۲۳ پاسخ دهید.

۱۲۱- اگر زمانی که دانش‌آموزان رو به شرق می‌ایستند، B و E کنار هم و در جلوی صف خود باشند، جای ایستادن چند دانش‌آموز از هفت دانش‌آموز، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟

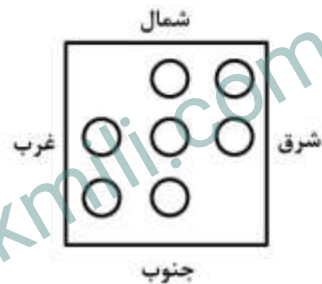
- (۱) سه
- (۲) چهار
- (۳) پنج
- (۴) هر هفت نفر

هفت دانش‌آموز به اسامی A, B, C, D, E, F و G، هرکدام در یکی از دایره‌های شکل زیر ایستاده‌اند. اطلاعات زیر درخصوص محل ایستادن آنها موجود است:

- وقتی همگی رو به شرق می‌ایستند، G دقیقاً پشت سر B و کنار D قرار می‌گیرد.
- وقتی همگی رو به جنوب می‌ایستند، C دقیقاً کنار A و در سمت راست وی قرار می‌گیرد.
- وقتی همگی رو به غرب می‌ایستند، E نفر اول یا نفر دوم صف خود قرار می‌گیرد.

۱۲۲- اگر در هر جهتی که دانش‌آموزان بایستند، E نفر اول صف خود نشود، کدام مورد درخصوص وضعیتی که دانش‌آموزان در جهت جنوب ایستاده‌اند، صحیح است؟

- (۱) C دقیقاً پشت سر E ایستاده است.
- (۲) F دقیقاً سمت راست E ایستاده است.
- (۳) B دقیقاً جلوی C ایستاده است.
- (۴) E بین A و B ایستاده است.



۱۲۰- اگر زمانی که دانش‌آموزان رو به شمال می‌ایستند، E و F دو نفر آخر صف خود باشند، نفر اول صف وسط، کدام دانش‌آموز است؟

- A (۱)
- C (۲)
- D (۳)
- G (۴)

۱۲۳- همه دانش‌آموزان در کدام جهت بایستند تا B, D و E، نفرهای دوم صف خود شوند؟

- (۱) غرب
- (۲) شرق
- (۳) جنوب
- (۴) شمال

پایان بخش سوم



بخش چهارم

راهنمایی:

- این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سؤال‌های کتبی، شامل مقایسه‌های کتبی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حل مسئله و ... تشکیل شده است.
- توجه داشته باشید به خاطر متفاوت بودن نوع سؤال‌های این بخش از آزمون، هر سؤال را براساس دستورالعمل ویژه‌ای که در ابتدای هر دسته سؤال آمده است، پاسخ دهید.



802 C



راهنمایی: هر کدام از سؤال‌های ۱۲۴ تا ۱۲۷ را به دقت بخوانید و جواب هر سؤال را در پاسخنامه علامت بزنید.

۱۲۶- سه نفر به اسمی A، B و C، به اتفاق کاری را شروع و به انجام رسانده‌اند. نسبت مجموع فعالیت A و B به فعالیت C، برابر ۵ به ۱ و نسبت مجموع فعالیت A و C به فعالیت B، برابر ۳ به ۱ است. تقریباً چند درصد از کل کار را A انجام داده است؟

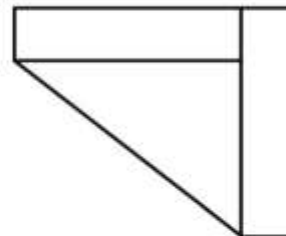
- ۵۸ (۱)
- ۵۵ (۲)
- ۴۶ (۳)
- ۴۲ (۴)

۱۲۴- بین اعداد هر کدام از شکل‌های زیر، ارتباط خاص و یکسانی برقرار است. به جای علامت سؤال، کدام عدد باید قرار بگیرد؟

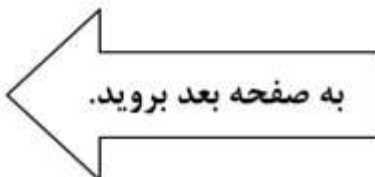
۳	۵	۲	۶
۲۹		۲۴	
۷	۲	۳	۴
۵	۴	?	۹
۶۸		۵۴	
۸	۶	۹	۵

- ۴ (۱)
- ۳ (۲)
- ۲ (۳)
- ۱ (۴)

۱۲۵- شکل زیر، دو مستطیل یکسان و یک مثلث را نشان می‌دهد. اگر مساحت مثلث ۲۵ درصد مساحت کل شکل باشد، نسبت عرض به طول مستطیل کدام است؟



- ۷ به ۴ (۱)
- ۷ به ۳ (۲)
- ۳ به ۲ (۳)
- ۳ به ۱ (۴)





802 C



۱۲۷- پس از پنج سال، تعداد مردان و زنان یک روستا، به ترتیب، ۷۵ و ۲۵ درصد افزایش می‌یابد. اگر در این مدت، تعداد اهالی این روستا ۵۷ درصد افزایش پیدا کرده باشد، نسبت تعداد زنان به مردان در این روستا، قبل از افزایش جمعیت، کدام بوده است؟

(۱) ۶ به ۱۵

(۲) ۷ به ۱۶

(۳) ۸ به ۱۵

(۴) ۹ به ۱۶

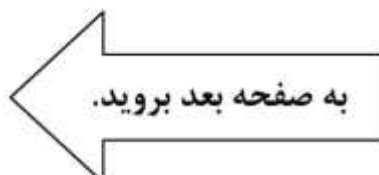
راهنمایی: سؤال ۱۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۱ را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۲ را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه ۳ را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده‌شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه ۴ را علامت بزنید.

۱۲۸- در یک دستگاه خودپرداز بانک، فقط اسکناس‌های ۲، ۵ و ۱۰ هزار تومانی موجود است.

ب
حداکثر تعداد اسکناس‌هایی
که دستگاه برای پرداخت
۳۳ هزار تومان می‌دهد.

الف
حداقل تعداد اسکناس‌هایی
که دستگاه برای پرداخت
۱۱۳ هزار تومان می‌دهد.





802 C



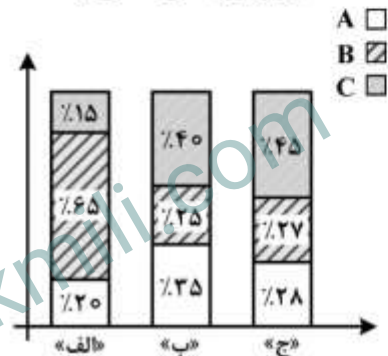
راهنمایی: با توجه به اطلاعات، نمودار و جدول زیر، به سؤال‌های ۱۲۹ و ۱۳۰ پاسخ دهید.

اطلاعات مربوط به تعداد دانشجویان سه رشته «A»، «B» و «C» در دانشگاه‌های «الف»، «ب» و «ج» جمع‌آوری شده است. مجموع تعداد دانشجویان این سه رشته در دانشگاه «الف»، ۱٫۵ برابر مجموع تعداد دانشجویان همین رشته‌ها در دانشگاه «ب» است. نمودار سمت راست، درصد تعداد دانشجویان هر رشته را از مجموع دانشجویان این سه رشته در هر دانشگاه نشان می‌دهد و جدول سمت چپ، نسبت تعداد دانشجویان دانشگاه «ب» به دانشگاه «ج» را به تفکیک هر رشته نشان می‌دهد.

جدول «نسبت تعداد دانشجویان دانشگاه «ب» به دانشگاه «ج» به تفکیک هر رشته»

رشته	A	B	C
نسبت	$\frac{1}{2}$	$\frac{10}{27}$	$\frac{16}{45}$

نمودار «درصد تعداد دانشجویان هر رشته، از مجموع دانشجویان این سه رشته در هر دانشگاه»



۱۳۰- اگر دانشگاه «الف»، ۴۵ دانشجو در رشته «C» داشته باشد، در دانشگاه «ج»، چند دانشجو در رشته «B» مشغول به تحصیل هستند؟

- (۱) ۱۹۵
- (۲) ۱۳۵
- (۳) ۴۲
- (۴) ۱۹

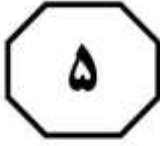
۱۲۹- چند درصد از مجموع دانشجویان رشته «A» در دانشگاه‌های «الف» و «ج»، در دانشگاه «الف» مشغول به تحصیل هستند؟

- (۱) ۲۲
- (۲) ۲۷
- (۳) ۳۰
- (۴) ۵۹

پایان بخش چهارم



802 C



بخش پنجم

راهنمایی:

این بخش، مربوط به سؤال‌های آزمون زبان عربی - عمومی است.

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (١٣١ - ١٥٠)

١٣١- عین المناسب للفراغات: و استطاع البطل الإيراني أن ... الرقم القياسي أمام ... لينال بذلك ذهبية ...!

- (١) يكتسب / الآخرين / المبارات
(٢) يحصل / منافسيه / ثمينة
(٣) يحطم / غرمانه / رمي القرص
(٤) يسجل / الملايين / متوالية

١٣٢- عین الخطأ في متضاد التعبير:

- (١) إنه نظر إليه شزراً ← نظر بالكبر
(٢) إنه منبوه الاسم ← هو خامل الذكر
(٣) هو ناعم الظفر ← هو شيخ
(٤) هو واري الزند ← هو بخيل

١٣٣- عین الصحيح: من كان متجهماً فهو ...!

- (١) مشاحنة
(٢) مشاعب
(٣) مشاكس
(٤) مشادة

١٣٤- عین الصحيح (في استعمال المفردات):

- (١) توفي في العشرينات من هذا القرن!
(٢) نحن على أبواب القرن الواحد والعشرين!
(٣) وُلد الأستاذ في شهر الربيع الأول!
(٤) تحمل معانات حرب استمرت ثماني سنوات!

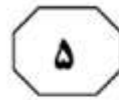
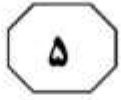
١٣٥- عین الصحيح (في استعمال المفردات):

- (١) ألقى الوزير في إحدى مؤتمرات نزع السلاح خطاباً ندد فيه القوى الكبرى!
(٢) يتم اختيار أحد المحلات لإجراء هذه الإحصائية حول زيادة الأسعار!
(٣) في إحدى المستشفيات الحكومية أجريت عليه العملية الجراحية!
(٤) في أحد قاعات الكلية تجري ندوة أدبية حول التعددية اللغوية!

١٣٦- عین المناسب للفراغات: تؤدي استعمال ... إلى زيادة حالات ... و كذلك ... بعض الهرمونات و ...

إصابة الشخص بالتوتر النفسي!

- (١) العقارات النباتية / وجع البطن / تحطيم / التسريع
(٢) الحبوب المنومة / الأرق / إفرازات / حصيلتها
(٣) المياه الجرثومية / المرض / تنشيط / مغبة
(٤) السوائل / الوجع / تضخم / تقليل



١٣٧- عَيْنَ الصَّحِيحِ (فِي اسْتِعْمَالِ الْمَفْرَدَاتِ):

- (١) الْمَلْفَتُ لِلنَّظَرِ هُوَ شَابٌّ!
(٢) لَا يَمَيِّزُ بَيْنَ الْغَيْثِ وَالنَّمِينِ!
(٣) الْبِضَاعَةُ الْمَبِيعَةُ تَحْتَ الرِّعَايَةِ!
(٤) هَذَا الْفِعْلُ مُشِينٌ لَا يَلِيْقُ بِكَ!

١٣٨- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ اسْتِخْدَامِ حُرُوفِ الْجَرِّ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- (١) إِضَافَةٌ إِلَى ذَلِكَ، عِلَاوَةٌ عَلَى ذَلِكَ، بِحَاجَةٍ إِلَى ذَلِكَ، مُوَكَّدًا عَلَى ذَلِكَ!
(٢) إِضَافَةٌ عَلَى ذَلِكَ، عِلَاوَةٌ عَلَى ذَلِكَ، بِحَاجَةٍ إِلَى ذَلِكَ، مُوَكَّدًا عَلَى ذَلِكَ!
(٣) إِضَافَةٌ إِلَى ذَلِكَ، عِلَاوَةٌ إِلَى ذَلِكَ، بِحَاجَةٍ إِلَى ذَلِكَ، مُوَكَّدًا فِي ذَلِكَ!
(٤) إِضَافَةٌ إِلَى ذَلِكَ، عِلَاوَةٌ عَلَى ذَلِكَ، بِحَاجَةٍ بِذَلِكَ، مُوَكَّدًا فِي ذَلِكَ!

١٣٩- « اللَّيْلُ طَوِيلٌ وَ أَنْتَ مُقَمَّرٌ! ». تَسْتَخْدِمُ الْعِبَارَةَ فِي

- (١) انْتِهَازَ الْفُرْصِ!
(٢) الْحَثَّ عَلَى النَّأْيِ وَ عَدَمَ التَّعَجُّلِ!
(٣) السَّلَامَ الدَّاخِلِيَّ وَ الْهَدْوَى!
(٤) التَّعْبِيرَ عَنِ الْأَمَلِ فِي الْخَيْرِ بَعْدَ الْيَأْسِ!

١٤٠- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِيمَا يُقَالُ فِي الْمَوَاقِفِ التَّالِيَةِ:

- (١) فِي الرِّيَاضَةِ ← لِمَصَارِعِ فُلَانٍ مَعَ مَنَافَسِهِ!
(٢) قَوْلُ الْبَائِعِ حِينَ يَرُدُّ الْمَتَاعَ ← الْمَبَاعُ لَا يَرُدُّ!
(٣) حِينَ طُلُوعِ الشَّمْسِ ← أَشْرَقَتِ الشَّمْسُ!
(٤) لِلْمَعَانِقَةِ ← تَعَانَقْتُ وَ زَمِيلِي!

١٤١- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي اسْتِخْدَامِ التَّعَابِيرِ الْمَذْكُورَةِ فِي الْمَوَاقِفِ التَّالِيَةِ:

- (١) الْوَقْتُ دَاهِمُنَا / الْوَقْتُ أَدْرِكُنَا! ← لَدِينَا مَتَسِعٌ مِنَ الْوَقْتِ
(٢) وَالْأَمْرُ إِلَيْكُمْ / رَأْيِي رَأْيُكُمْ! ← لِلْمَوَافِقَةِ الْكَامِلَةِ عَلَى شَيْءٍ
(٣) عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَكُمْ / الْبَقَاءُ فِي حَيَاتِكُمْ! ← فِي مَجْلِسِ التَّابِئِينَ
(٤) عَفْوًا لِمَقَاطِعَتِكَ / عَفْوًا لِمَقَاطِعَتِي! ← عِنْدَ التَّحَدُّثِ أَثْنَاءَ كَلَامِ الْآخَرِينَ

١٤٢- عَيْنَ الْخَطَأِ عَمَّا يُقَالُ رَدًّا عَلَى الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

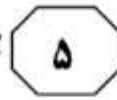
- (١) أَلْفَ أَلْفِ مَبْرُوكٍ، بِالرِّفَاءِ وَ الْبَنِينِ! ← شُكْرًا، اللَّهُ يَبَارِكُ فِي حَيَاتِكَ!
(٢) أَشْكُرُكَ عَلَى هَذِهِ الْخِدْمَةِ! ← عَفْوًا، لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ!
(٣) أَذَى وَلَدِي خِدْمَةُ الْعِلْمِ! ← يَتَرَبَّى فِي عِزِّكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ!
(٤) قَرَّرْنَا أَنْ نَزُورَكَ غَدًا! ← عَلَى الرَّحْبِ وَ السَّعَةِ!

١٤٣- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِتَكْمِيلِ الْعِبَارَةِ: نَقُولُ «فُلَانٌ نَسِيحٌ وَحْدَهُ» حِينَ

- (١) نَرَى أَحَدًا يَعِيشُ لِنَفْسِهِ!
(٢) يَحَاوِلُ أَحَدٌ أَنْ يَحَقِّقَ الْوَحْدَةَ!
(٣) لَا نَجِدُ لَهُ نَظِيرًا أَوْ مِثْلًا!
(٤) لَا يَسْمَعُ أَحَدٌ نَصَائِحَ الْآخَرِينَ!

١٤٤- عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- (١) تَلَقَّى دَعْوَةَ لِحُضُورِ الْحَفْلِ وَلَكِنَّهُ اعْتَذَرَ عَنِ الْحُضُورِ!
(٢) تَفَجَّرَتْ حُقُولُ الْبَتْرُولِ وَ الَّتِي أَخَذَتْ تَقْدِيفَ شَطَايَاهَا بِقُوَّةِ!
(٣) هَذَا الْكِتَابُ الَّذِي أَهْدَانِي أَحَدَ زَمَلَائِي مُفِيدٌ وَ إِنْ يَكُنْ صَغِيرًا!
(٤) بِالرَّغْمِ مِنْ خَطُورَةِ الْمَوْقِفِ فَإِنَّهُ مَازَالَ مِنَ الْمُمْكِنِ تَجَنُّبُ نُشُوبِ الْحَرْبِ!



١٤٥- عَيْنِ التَّعْبِيرِ الدَّعَائِي:

- (١) ما زال الكرم مستمراً!
(٢) لا زال فضلك غامراً!
(٣) لا سوء و لا شقاء عليك!
(٤) ما فتئ الصدق حليفك!

١٤٦- عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلسُّطْرَيْنِ الْفَارِغَيْنِ:

— هذا كلام مَلْفَق!

... —

— معلوم! المحسوبيّة سارية المفعول!

... —

- (١) على رسلك! مبدئيّاً لا أُؤيّد هذه المواجهة / لا أنيس ببنت شفة، إفعل ما تشاء!
(٢) من أين حصلت على هذا؟ / لا فضّ فوك، ما كشفت عن هذا إلا بعد أن سبق السيّف العَدْل!
(٣) كلام جميل! منذ زمن قد آمنت بهذا القول / مرحباً بناصرنا؛ رحمك الله، حبّذا لو كنت مثلهم!
(٤) لا يمت لي بصلّة! مُستعص عليّ فهم كلامك / ولكن ما علينا من الواجب هو أن نفعله عوداً على بَدْء!

١٤٧- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (١) حسابي خوايش برده: نام ملء جفنيه!
(٢) بعد از اين ديگر حرفي ندارم: لم يعد لي كلام بعد هذا!
(٣) ديگر زخم معدهام خوب شد: أصبحت لا أعاني قرحة المعدة!
(٤) بمجرد ورودم چشمم به او افتاد: لم يكد أدخل حين وقعت عليه عيني!
١٤٨- عَيْنِ عَدَدِ الْأَخْطَاءِ (فِي التَّشْكِيلِ وَ الْإِعْرَابِ):

قَمَعَتِ الشَّرْطَةُ بَغْفَبِ تَظَاهِرَةٍ لِمَنَاتِ الْمُتَظَاهِرِينَ بِسَبَبِ رَفْعِ الْأَسْعَارِ وَ لِلْمَطَالِبَةِ بِخَفْضِ رُسُومِ النُّقْلِ، وَ اسْتُخْدِمَتْ فِيهَا الْغَازُ الْمَسِيلُ لِلدُّمُوعِ. وَ ذَكَرَتْ الصُّحُفُ إِنْ نَحْوِ أَلْفِي مُتَظَاهِرٍ نَصَبُوا أَحْوَاجَ وَ دَخَلَتْ مَنَاتٌ مِنْ عُنَاصِرِ قَوَاتِ مَكَافِحَةِ الشُّغْبِ لِفَتْحِ الطَّرِيقِ!

- (١) تسعة (٢) سبعة (٣) عشرة (٤) أحد عشر

١٤٩- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي عَدَدِ هَمْزَاتِ الْقَطْعِ فِيمَا يَلِي:

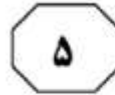
اعلنت الوزارة ان البلاد لم تتوصل مساء الخميس الى اتفاق على صيغة جديدة لاتفاقية التجارة الحرة. من جانبها اعلنت الشرطة اغلاق مركز تجاري بعد اطلاق النار داخل المركز فانها قامت بتطويق المركز التجاري و البحث عن رجلين مشتبه بهما في العشرينيات من العمر و حتى الآن لم ترد انباء عن سقوط الضحايا!

- (١) ثماني (٢) سبع (٣) تسع (٤) ست

١٥٠- عَيْنِ عَدَدِ الْأَخْطَاءِ الْإِمْلَانِيَّةِ:

حكا لي موسى زميلي أنه رنا يوماً يُوحنا الطَّبِيبَ وَ هُوَ يَفْحَثُ مُحَيّاً أَحَدَ الصَّرْعِيِّ الْمُسَمَى بِـ «يَحْيَا» وَ أَخْلَى الطَّبِيبُ مِنْ بَالِهِ بَعْضَ الْحُمُومِ الْمُؤَذِيَّةِ وَ أَحْيَا الْمَرِيضَ!

- (١) ثلاثة (٢) أربعة (٣) خمسة (٤) اثنان



■ ■ اقرأ النّصين التاليين (ألف - ب) بدقّة ثم أجب عن الأسئلة (١٥١ - ١٦٠) بما يناسب النّص.

■ ألف (١٥١ - ١٥٥)

العقبة الأصليّة للحيلولة دون تحقيق الوحدة بين الفئات و الجماعات الإسلاميّة تتجلى في الروح الحزبيّة المتغلّغة في ذهنيّة القيادات و المستفحلة في أوساط القاعدة. و سريان مثل هذه الروح في الأوساط الإسلاميّة يعود أساسًا إلى الشعور البارد بحقيقة زائفة، و هي كلّ ما وقع في دائرة الجماعة هو الصّواب كلّه و كلّ ما خرج عن دائرتها هو الخطأ كلّه! فتستشري روح التعصّب في الأوساط و تضخّي الدافع الأساسي في توجيه سلوك الجماعة قيادة و قاعدة نحو الآخرين؛ فتغيب سعة الأفق في النظر إلى الآخرين و تظهر على الساحة ترسانات نفسيّة مسلّحة تفصل بين الجماعات الإسلاميّة و تجعل إمكانيّة الالتقاء و الاحتكاك أمرًا ميثولوجيا!

و يتوجّ كل ذلك بحرب الإشاعات و الاتّهامات المتبادلة و شحذ الأتباع بأسلوب أو بأخر ضدّ بقية الجماعات بدعوى اتحرافها عن الخطّ الأصيل. و تحت وطأة التّعامل ضدّ الآخرين و استحالة تبادل وجهات النظر بين القيادات فضلًا عن لقائها يقع الأتباع ضحية الروح الحزبيّة التي لا تقوم إلاّ بدور نقل و تبرير الأفكار الصّادرة من فوق إلى تحت دون التّفطن لإمكانيّة نقدها. و هكذا بالتّقاء فردين حزبيين يكون الحوار بينهما حديث الصمّ! كلّ منهما يملك وجهة نظر أمليت عليه مسبقًا و هو غير مستعدّ للتنازل عنها و حتّى مناقشتها. و في مثل هذا الجوّ المشحون بالخزّات النفسيّة و الفكريّة تفرغ كلمة الوحدة من كلّ مدلول إيجابيّ يعتمد بديهة على الالتقاء و تبادل وجهات النظر و الحوار النزيه و الهادئ!

و الحقيقة أنّه كلّما كان الاختلاف في المفاهيم و الأفكار كلّما كان الاختلاف رحمة، لأنّ مثل هذا الاختلاف يجعل من البحث القناة الموضوعيّة لطرحه و إبراز نقاطه واضحة جليّة. إذا تعدّى هذا الاختلاف حدوده الفكريّة إلى ابتداع حوافز نفسيّة وهميّة بين الجماعات فتلك هي الحالقة. و لذا فالمنطلق الفكريّ الصحيح هو إعادة النّظر في رؤانا و هذا قد يتيح فرصة اللّقاء بين الجماعات، إلاّ أنّه لا يكفي وحده إذا لم يدعم باستعداد نفسيّ جادّ لحوار يقوم على تحمّل الآخرين!

١٥١- عيّن الصحيح:

- (١) الخلافات الفكريّة و الرؤويّة ربّما تعتبر نقطة انطلاق للالتقاء!
 - (٢) استشرأ الخلافات الشعبيّة من نتائج إفراغ كلمة «الوحدة» من مداليلها!
 - (٣) من نتائج ازدياد التّرسانات المسلّحة الفصل بين التّيّارات الإسلاميّة و فقدان الائتلاف بينها!
 - (٤) الأحزاب و فحولها تضخّي من جراء الخلافات و الإشاعات التي تزداد بينها و بين الجماعات الأخرى!
- ١٥٢- عيّن الصحيح: من تبعات الاهتمام برأي الجماعة و اعتبارها مصدرًا رئيسًا في قبول الآراء و ردّها هو ...

- (١) تضحية شارع النّاس و توسيع دائرة السّلطة!
- (٢) إشعال العداوة بين الفحول في الجماعات المختلفة!
- (٣) إزالة فكرة الوحدة و تهديمها بين الفصائل الاجتماعيّة!
- (٤) توسيع دائرة الأكاذيب و التّهم حول الأشخاص في جماعة معيّنة!

الصفحة التالية



١٥٣- عَيْنَ الصحيح: على حسب ما جاء في النصّ ...

(١) الحوافز النفسية هي التي تسيطر على القرارات الحزبية!

(٢) تتميز الأكثرية في المجتمعات الحزبية بمالكية الحق!

(٣) إنّ الروح الحزبية تمنع تحقّق المساواة و الحرية!

(٤) إنّ الميثولوجيا من أسباب إشاعة الخزانات!

١٥٤- عَيْنَ الخطأ:

(١) لكلّ جماعة نجد نزعات من الصحة و الخطأ كليهما!

(٢) لا إمكان للقاء بين الجماعات إلّا بتغيير رؤاهم و مناظرهم!

(٣) الخلاف بين النزعات المختلفة ربّما يصل إلى الاختناق و الموت!

(٤) صاحب النصّ يُنكر وجود أيّة فائدة لوجود الخلافات بين التيارات المختلفة!

١٥٥- عَيْنَ ما لم يقم صاحب النصّ بنقده و تحليله:

(١) إختلاف أمّتي رحمة!

(٢) الطريق الوسطى هي الجادة!

(٣) الحقّ مع الجماعة!

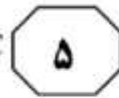
(٤) كلّ حزب بما لديهم فرحون!

■ ب (١٥٦ - ١٦٠)

يستشعر المخطّطون الأمريكيون بكارثة تهدّد خطّتهم و مصالحهم و كامل منظومة الهيمنة في المنطقة مع اقتراب انتصار سورية في إدلب و نجاح الجهد الروسي الإيراني المبدول لمنع تركيا من التورط في القتال إلى جانب عصابة القاعدة و مثيلاتها و كذلك صدّ الشهية العثمانية بالتدخّل في شؤون سورية الداخلية و كبح أوّهام أنقرة عن حجز حصص من النفوذ في مستقبل سورية السياسي و توازنها!

آلاف المجنّدين الأتراك في جبهة النصرة ممّن أرسلتهم المخابرات التركية يتجمعون في إدلب و كذلك آلاف أخرى من عديد زمر الإخوان المسلمين تُديرهم المخابرات التركية و معهم إرهابيون بالآلاف من بعض البلدان الآسيوية درّبهم تركيا بأمر أميركي للتخريب في بلدانهم تحت يافطات الفصائل المتعدّدة. حشدت روسيا قوّات عسكرية لردع أيّ عدوان أميركي بعد ما تبين أنّ ذلك العدوان المحتمل أيّما كان حجمه أو مداه سيكون بمثابة إعتداء على روسيا التي لم تقصّر ميدانياً في إفهام واشنطن أنّها تعتبر نفسها مستهدفة و ستعامل القوّات الأميركية على هذا الأساس. و بالرغم من ذلك تبدي الولايات المتحدة صلافة و جلافة مستفزة و تجرّج خلفها دول الغرب الأوروبي الخائعة و التّابعة برغم الحملات الكلامية الأوروبية التي لا تنعكس في أتباع نهج مغاير للعدوانية الأميركية الغاشمة. و مع هذا فإنّ تعزيزات أميركية جديدة أظهرت إعلامياً في شرق سورية بالتزامن مع قرع طبول النانو و هدير البوارج في المتوسّط تنبئ عن نواياهم التوسعية!

لا يغرى الأميركي بهذه التّصعيدات في الساحة الميدانية لأنّها لا تهدّد أمن الدولة العبرية فإنّ الشمال و الشرق بعيدان عن خطّ الجبهة مع حكومة الاحتلال و كذلك انكفأت مع الراعي الأميركي و بلغت جميع تهديداتها و لملمت خبيثتها فتركت عملاءها المفجوعين الذين منعتهم من العبور إلى أراضي الاحتلال. كما سبق أن فعلت في الجنوب اللبناني فنقلتهم الصهاينة إلى الأردن تحت شعار «أنهم الخوذ البيضاء»!



١٥٦- عَيْنَ الصحيح: من نتائج منع تركيا للتدخل في مستقبل سورية هو ...

- ١) الشعور بالخوف للأمريكيين حول تهديم مصالحهم في المنطقة!
- ٢) انتصار سورية في إدلب و استعادة قواها تجاه الإرهابيين!
- ٣) استشعار المخططين الأميركيين باقتراب انتصار سورية!
- ٤) نجاح الجهد الروسي - الإيراني لمنع التورط في القتال!

١٥٧- عَيْنَ الخطأ: على حسب ما جاء في النص ...

- ١) هناك جماعات من الإرهابيين في سورية تعمل تحت رعاية حكومة تركيا!
- ٢) من مخططات تركيا هو التأثير على بعض مقاعد القرار في مستقبل سورية!
- ٣) يُبدي الأمريكيون صلافة هنا و هناك لدفع الأوروبيين على اتخاذ نهج مغاير للعدوان على سورية!
- ٤) الغاية من تشكيل الجماعات الإرهابية المتعددة هي تعكير أوضاع البلدان التي تنتمي إليها هذه الجماعات!

١٥٨- من هم الخوذ البيضاء؟

- ١) إنهم أعضاء جماعة النصرة المقيمين في إدلب و كانوا قبل هذا في جنوب لبنان!
- ٢) هم العملاء المرتزقة السوريون الذين يستعدون للهجوم العنيف على النظام السوري!
- ٣) إنهم كانوا من هواة الغرب فطلبوا الحماية منهم فهاجروا إلى الأردن و توطنوا هناك!
- ٤) هؤلاء كانوا من مرتزقة الصهاينة في جنوب لبنان حيث لم تسمح لهم بالدخول في أراضيها!

١٥٩- لماذا لا تخاف أميركا من تصعيد الطقوس الحربية في سورية؟ عَيْنَ الخطأ:

- ١) الأمريكيون مرتاحون بأن الصهاينة ليسوا في خطر من جراء هذه الحوادث!
- ٢) الفصائل الإرهابية مزودة بالآليات الحربية التي لا تقدر أن تهدد أمن المنطقة!
- ٣) المرتزقة من أعضاء الفصائل الإرهابية لاتعدو تلك الطفلة المدللة للأميركيين!
- ٤) ابتعاد المنطقة جغرافياً عن ثغور أراضي الاحتلال من أسباب اطمئنان الأميركيين!

١٦٠- ما هي الإمارات التي تشير إلى أن الأميركيين يستعدون لبدء هجوم على سورية؟

- ١) إيداء القلق من جانب الكيان الصهيوني و مساندة أعضاء ناتو عن هذا القلق!
- ٢) إنذارات روسيا بأنها تعتبر أي هجوم اعتداءً على نفسها فلا تغض عينها عنه!
- ٣) اتباع الغربيين و الدول الأوروبية للعدوان الأمريكي و السعي في الحماية عن العدوان!
- ٤) القيام بأيجاد بعض الاستحكامات و نشاطات السفن الحربية في البحر المتوسط و بعض التحركات الأخرى!

خاتمة القسم الخامس